

اگر بازار دائمی وجود داشت بهتر بود

تولید کننده دیگری که خانه را برای خودش کارگاه کرده است خانم ملیحه باقری است. او به دلیل شرایطی که دارد و مشکل فرزندش، امکان انجام کار بیرون از خانه را نداشته و دست به کاری در خانه زده است. محصول خانگی او کارهای بافت است، از دستکش و جوراب گرفته تا انواع پتو و سبدهای نظم دهنده. این بانوی خلاق بافت را در خانه و از طریق فضای مجازی و کتابهای آموزشی آموخته و دست به تولید زده است. «دو سال است این کار را در خانه شروع کرده‌ام. کار را از کتاب و آموزشهای مجازی یاد گرفتم. چون دخترم معلولیت دارد، نمی‌توانم بیرون از خانه کار کنم. چون نمی‌توانم در بازارچه‌ها حاضر شوم و برای کارم مشتری پیدا کنم، از درآمد راضی نیستم. انجام کار برایم راحت است و هر تعداد سفارش باشد انجام می‌دهم ولی مشکل اصلی من همین فروش است زیرا نمی‌توانم در نمایشگاه‌های مختلف باشم. اگر شرایطی بود که می‌توانستم کارهایم را به فروشندگان مشاغل خانگی بسپارم خیلی خوب بود یا اینکه اگر بازار دائمی وجود داشت بهتر بود.»

از وجود خودت باید مایه بگذاری

سیما واحدی بانویی است که بعد از بازنشستگی به فکر شغلی در خانه افتاده است. کار او از آن کارهای هنری است که قدیم‌ها روی طاقچه‌ها و جلو در اتاق‌های مادر بزرگ‌ها می‌دیدیم. گل‌دوزی روی پارچه و خلق گل‌های رنگارنگ روی پارچه‌های سفید هنر خانگی اوست که علاقه شدیدی به آن داشته است و در جریان یک سفر با دیدن گل‌دوزی‌های خانم‌های روستایی جرقه تولید به ذهنش می‌رسد. هرچند این شغل خانگی به دلیل ظرافت بسیار و سوزن زدن چشم‌ها و دست‌های او را خسته می‌کند، از خلق پرده‌ها و رومیزی‌های رنگارنگ لذت می‌برد. «اوایل که کارم را شروع کردم، هیچ فکر نمی‌کردم این قدر گسترش پیدا کند و این همه مشتری پیدا کنم. نمونه کارها را در صفحه اینستاگرامم می‌گذاشتم و سفارش می‌گرفتم. الان سفارش‌ها به قدری زیاد است که فرصت نمی‌کنم آن‌ها را آماده کنم. برای همین، سمت آموزش برای زنانی که به شغل و درآمد نیاز دارند رفته‌ام و برای آن‌ها از همین کار اشتغال و درآمد ایجاد شده است. برای خانم‌ها لوازم کار را می‌برم و سفارش‌ها را توضیح می‌دهم تا در خانه کار کنند. نگهداشتن مشاغل خودگردان و خانگی کار آسانی نیست. سرمایه از جیب خودت است و از وجود خودت باید مایه بگذاری و کم‌درد و چشم‌درد را تحمل کنی. گاهی هم باید پای کار بچه‌هایی که تازه کار هستند بمانی تا راه بیفتند. اگر کار به تولید انبوه برسد، باز هم می‌توان به آینده آن امیدوار بود اما تا وقتی که در حد یک شغل خانگی باشد نمی‌توان چندان به درآمد و تداوم شغلی آن امید داشت.»

نگهداشتن مشاغل خودگردان و خانگی کار آسانی نیست. سرمایه از جیب خودت است و از وجود خودت باید مایه بگذاری و کم‌درد و چشم‌درد را تحمل کنی. گاهی هم باید پای کار بچه‌هایی که تازه کار هستند بمانی تا راه بیفتند.

شهربانو

۲۸ شول ۱۴۴۳ شماره ۲۷۷
۹ خرداد ۱۴۰۱

(۵)

هدفم حمایت از کالای ایرانی بود

بعضی از بانوان نیز با اهداف فرهنگی و نه تنها اقتصادی وارد عرصه مشاغل خانگی شده‌اند. مریم محمدی طلبه تولیدکننده‌ای است که در خلأ پوشش مناسب برای دختران نوجوان و بانوان دست به



تولید خانگی روپوش و چادر زده است. این بانوی طلبه کارش را به تنهایی و از خانه شروع کرده است اما اکنون مسجد محله را پایگاهی برای تولید حجاب اسلامی با قیمت مناسب کرده است. چند نفری از خانم‌های مسجدی را هم پای کار تولید اسلامی و ایرانی خود آورده است، تولیداتی که تنها با استفاده از پارچه‌های داخلی انجام می‌شود. «حدود یک سال است تولید چادر مشکی را با پارچه‌های ایرانی شروع کرده‌ام. از شهرکرد پارچه می‌خرم و چادری با قیمت مناسب در

اختیار خانم‌های محجبه قرار می‌دهم. هدفم حمایت از کالای ایرانی است. کم‌کم چند خانم خیاط را جذب کردم و تولید حجاب نوجوان را هم شروع کردیم. در بازار، لباس‌های پوشیده و اندازه برای دختران نوجوان پیدا نمی‌شود و با هدف تأمین این پوشش در این زمینه هم وارد شدم. برای ادامه کارم به یک تیم حرفه‌ای نیاز دارم. به‌ویژه یک طراح نیاز دارم. نگاه بزرگی به این کار دارم و بیش از درآمدزایی، دغدغه فرهنگی دارم.»

پیشه‌های خانگی با کارگری خانگی؟!+

مشاغل خانگی همیشه به تولید ختم نمی‌شود و گاهی زنان به خاطر بی‌سوادی و کم‌سوادی و کسب درآمد مجبور می‌شوند هر کاری را برای انجام دادن در خانه بپذیرند. این مشاغل هرچند به نام مشاغل خانگی شهرت پیدا کرده‌اند، در اصل کارگری خانگی هستند. زهراخانم سه‌فرزند دارد. او تاکنون کارهای خانگی مختلفی انجام داده است. «زعفران تمیز کردن برنامه هرساله ماست ولی یک ماهی بیشتر نیست. در کنار آن حبوبات را هم داریم که درآمدش بد نیست. مدتی منجوق‌دوزی روی لباس هم می‌کردم که کار خیلی سختی بود و چشم و انگشتم برام نگذاشته بود. دوتا گل بزرگ یکی بالا و یکی پایین بلوزها می‌دوختم و دانه‌ای هزار و ۵۰۰ تومان مزد می‌گرفتم. مدتی هم لواشک بسته‌بندی می‌کردم. بچه‌هایم هم برچسب می‌زدند. کارم خیلی تمیز بود. یک دفعه که رفتم تحویل بدهم، صاحب کار کلی ازم تشکر کرد که خیلی به من چسبید چون تا حالا هیچ کس بابت کارگری از من تشکر نکرده بود. چون بچه دارم هر کاری که بشود در خانه انجام داد قبول می‌کنم. خودم هنری ندارم که بخواهم کاری راه بیندازم. درس هم نخوانده‌ام و سواد ندارم ولی آرزویم این است که روزی خودم یک کارگاه پرورش کرم ابریشم داشته باشم.»



از حرفه‌هایی که خانم‌ها انجام می‌دهند حمایت نمی‌شود

فاطمه نوایی به تشویق شوهرش دست به کار تولید کیف‌های چرم طبیعی دست‌دوز زده است و الان بعد از دو سال، برای خودش یک کارگاه راه انداخته است. خانم‌هایی که در کارگاه او کار می‌کنند از سرپرستان خانوار هستند و بعضی کارها را به خانه می‌برند تا در کنار نگهداری از فرزندان و خانه‌داری کار و درآمدی هم داشته باشند. «رشته‌ام صنایع دستی بود ولی دنبال کار نبودم. یک روز برای همسرم کیف دوختم. او از کارم خیلی تعریف کرد و مشوقم شد و گفت وارد کار چرم بشوم. من هم کم‌کم وارد شدم و ادامه دادم. بعد از اینکه کار را شروع کردم و سفارش‌ها بیشتر شد، از چند نفر خانم سرپرست خانوار هم دعوت به کار کردم و الان سه نفر از این خانم‌ها با من کار می‌کنند. آن‌ها همه مراحل کار را آموزش دیده‌اند و کار را برای انجام به خانه می‌برند چون هم شرایط این را که به کارگاه بیایند ندارند. از بازار فروش راضی هستم ولی در جامعه ما از مشاغلی که خانم‌ها انجام می‌دهند حمایت نمی‌شود و بیشتر دنبال کارهای مردانه هستند. در همین کار خودم بارها پیش آمده است که گفته‌اند دوزنده آقا می‌خواهند. نمی‌دانم چه تفاوتی بین کار خانم‌ها و آقایان است.»